

■ گشتی در شبکه و یک سفرنامه!

علی امیدی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

اشاره

در حال حاضر، «شبکه خانه ملت» یکی از فعال ترین مراکز اطلاع رسانی در سطح کشور است. وجود بخش های متنوع و گستره اطلاع رسانی آن، اقشار مختلف جامعه از جمله محققین، دانشجویان، دانش آموزان با علایق و سلیقه گوناگون را به خود جذب کرده است. وجود بانک نرم افزاری قانون، بولتن مجلس شورای اسلامی، بولتن مرکز پژوهش ها، اخبار مجلس، مجله الکترونیکی مجلس و پژوهش، از این شبکه، کرسی مناسبی برای تحقیق و کسب اطلاعات فراهم آورده است. به کمک این شبکه، نیازهای روزانه بسیاری از دستگاه ها، ارگان ها و اشخاص، برآورده می شود.

از جمله خدمات «شبکه خانه ملت» برپایی انجمن های گوناگون جهت بحث و تبادل نظر در امور مختلف و همچنین محیط کنفرانس برای برقراری ارتباط مستقیم و همزمان بین کاربران است که از نظر جغرافیایی، تمامی پهنه کشورمان را در بر می گیرد. یکی از کاربران خوش قریحه شبکه خانه ملت، گشتی در شبکه زده و ره آورد این سفر را برایمان فرستاده که از نظر گرامی خوانندگان می گذرد.

به جای سفرنامه

ذوق و ادب، بسیار لذت می‌برم و همیشه از این که ذوق آنها را ندارم حسرت زده هستم. «درویش» مرا با خود می‌برد:

چو ایران نباشد تن من مباد...

به راستی آیا می‌توان از ارزش‌های ایران، به صداقتی که استاد ابوالقاسم فردوسی بنا نهاد، دفاع کرد؟

چه اندازه فارسی را و ایران را و فرهنگ این دیار را می‌شناسیم؟ آیا می‌توان شهادت فردوسی را در بازپروری گویش ایرانی آن هم در آن دوره در نظر آورد؟

بسی رنج بردم در این سال سی

عجم زنده کردم بدین پارسی
بیاید بیشتر درباره این رهبر عشق و آسمان سخن برانیم. هرچند که این سخنان نمی‌تواند رسم حقگزاری و قدردانی را به درستی به جا آورد.

پدرش از مالکان زمین بود ولی
جز خاک، دامنش را به هیچ نیالود. با قلب کوچکش که به اندازه دریا وسعت داشت در کاوش پیرامون خویش می‌گشت. در کودکی به سفارش پدر، در آموختن مرزهای دانش به تکاپو پرداخت و این چنین بود که در آغوش مهر یکی از دوستان پدری توانست زبانی نو بیاموزد و سراچه چشمش به دیباجه دانش راه یابد.

به شهرم یکی مهربان دوست بود

توگویی که بامن به یک پوست بود
و روزها در تمنای آب این برکه، باده نوش صحرای نادانی خود بود... زمان گذشت و باز گذشت... و در میانه راه،

شبانگاه روز ۲۸ اسفند ماه ۱۳۷۵ است و پس از یک روز کاری خسته کننده، به خانه باز می‌گردم. لحظاتی را می‌آسایم. خواب به دیدگانم نمی‌آید و حوصله بیرون رفتن را نیز در خود نمی‌بینم. لحظاتی سر در گریبان فرو می‌برم و از سرگشتگی خود در عجب می‌مانم. چشمم به کامپیوتر گوشه اتاق می‌افتد. با خود می‌گویم که بروم اخبار امروز روزنامه‌ها را از روی کامپیوتر مرور کنم. ولی این نیز برای من کاری عادی و کسل‌آور می‌نمود. اما چاره‌ای نداشتم و از روی بی‌علاقگی کامپیوتر را روشن کردم و وارد فایل «اخبار» شدم. حوادث روزنامه‌ها را مرور می‌کردم که پاره‌ای از آنها غم‌انگیز می‌نمود. گریزی به صفحات ادبی می‌زنم که در یکی از آنها خبر افتتاح «انجمن ادبی» را در شبکه خانه ملت داده است. گفتم که این خبر باید چیز جالبی باشد. وارد انجمن ادبی می‌شوم. عالم دیگری است. سیری در قطعات ادبی که کاربران با ذوق فرستاده بودند، خستگی را از تنم زدود. در آغاز قطعه‌ای درباره شاعر پراوازه «حکیم فردوسی» خواندم. این قطعه را دوست هنرمندی بنام «درویش» ارسال داشته بود. از فردوسی هر چه بگویم کم است. فقط جهت یادآوری می‌گویم که سرآمدان ذوق و ادب، او را یکی از چهارستون ادبیات جهان می‌دانند. اگر چه پیشه‌ام «سیاست» است نه ادب، با این حال از خواندن آثار آفرینندگان

تقدیر کتابی به نام شاهنامه دقیقی را پیش چشمش نهاد و به سفارش دوستان برآن شد که آن را کامل کند. ولی در حقیقت فردوسی تمامی باورها و اسطوره‌های ایران را با تاریخ آن در هم زد و داستانی به بزرگی و شکوه شاهنامه را آفرید.

ابتدا شاهنامه را به تشویق یکی از امیران شروع کرد. سی سال تلاش و تلاش. و در این زمان بود که به وسیله دوستی از دربار سلطان محمود غزنوی به درگاه او راه یافت و چون نظمی در وصف «ایاز» ندیم شاه سرود، چنان لوله و غوغایی در مجلس شاه برپا شد که سلطان لقب «فردوسی» را بر حیات فردوسش افزود... و او را فرمود که در برابر هر بیت شاهنامه سکه‌ای زر خواهد داد.

شب و روز و باد و باران گواه عظمت فردوسی بود در بنای این عشق. و سی سال چون برق سپری شد. بی افکندم از نظم کاخی بلند که از آب و آتش نیابد گزند و کودک تازه متولد، جان خویش را به پیش محمود برد... و حسودان شاه را گفتند که بیهوده شصت هزار سکه زر (تعداد ابیات شاهنامه) هدیه می‌کنی. شاه گفت وعده کرده‌ام. گفتند هدیه شاهی هرچه باشد باید پذیرفت و شاه هم شصت هزار سکه نقره به فردوسی داد. فردوسی نه در هوای پول. بلکه به امید نعمتی برای این روزهای سخت پیری به پیش او آمده

بود. چنان برآشفست که بیست هزار سکه را به آورنده آن داد. بیست هزار سکه را در حمای به خواجه آن بخشید و بیست هزار سکه را در بهای کاسه آبی داد. و بی‌درنگ با تمام فروتنی و خشم خویش، صد بیت هجونه در نکوهش شاه سرود.

اگر شاه را شاه بودی پدر
به سر برنهادی مرا تاج زر
وگر مادر شاه بانو بدی
مرا سیم و زر تابه زانو بدی
چو اندر تبارش بزرگی نبود
نبایست نام بزرگان شنود

...
و شاه چنان براین هجونه خشمگین شد که فرمان داد فردوسی را به زیر پای فیل اندازند و فردوسی گریخت... و روزی در شهر طوس در میان بازار می‌گشت و از زبان کودکی شنید:
اگر شاه را... و چنان جا خورد که بیهوش شد و در بستر بیماری افتاد.
و در این زمان بود که محمود او را از بساد برده بود و در جنگی به لشگرآرایی مشغول بود. جنگ سخت بر او غالب شد و در اندوه شکست مانده بود. سربازی ناگهان فریاد زد:

اگر سر به سر تن به دشمن دهیم
از آن به که کشور به دشمن دهیم
دریافت که شعر فردوسی در میان سربازان لوله انداخته است، از کرده پشیمان شد و فرمود که سکه‌های قول داده را بار شتران کنند و به سوی فردوسی برند.

چون از در دروازه طوس شتران داخل می‌شدند، از دروازه دیگر مظهر عشق را تابوت‌کشان، بیرون بردند و تاریخ یکبار دیگر رسم شاهان را در کنار مرتبت عظیم شاعران آزاده، نشان داد. و روحش شاد آن بزرگترین بزرگان.

و کدام یک از ما یکبار- فقط یکبار- شاهنامه را خوانده‌ایم؟ اگر مجالی بود رستم را بر گیتی ذهن خویش خواهیم راند و سیمرغ را بر پهنای آبی دریای خود پرواز خواهیم داد.

اگر وقت شما را گرفتیم و اگر چشمان شما را خسته کردیم ببخشایید. حکایت همچنان باقی و به امید توفیق خدمت و ادامه راه.

لحظه‌ای از «انجمن ادبی» فارغ می‌شوم و به انجمنی دیگر سر می‌زنم. اندیشیدم که معارف با ادبیات هم بسته است و چه خوب است که از بزرگان دین، پندای بیاموزم. ناگهان نقل و قول‌هایی از حضرت امام صادق (ع) و حکایاتی پند آموز بر روی صفحه کامپیوتر ظاهر شد و من آن را به فال نیک گرفتم. پوینده‌ای در شبکه خانه ملت که نام او «هدایتی» است، سر پناهی ساخته است از روایات هدایتگر. ابتدا روایتی درباره محبت و مهربانی و سپس گفتاری در خصوص بخشندگی آمد. این چنین:

شفقت آن باشد که با خلق خدا چیزی کند و چیزی گوید که چون مردم به آن عمل کنند در دنیا و آخرت سود کنند.

اهل علم نصیحت کنند و اهل قدرت ادب. روایت است که: مردی از بنی اسرائیل در گناهان غوطه‌ور و در گمراهی و جهالت ره سپرد، در یکی از سفرها بر لب چاهی رسید که سگی از تشنگی له له می‌زد، دلش به حال او سوخت عمامه از سر بر گرفت و به کفش خود بست و بدان وسیله از چاه آب کشید و آن سگ را سیراب نمود. خداوند بر پیامبر آن زمان وحی فرستاد که: من از کوشش او سپاسگزاری می‌کنم و بخاطر دلسوزی بر یکی از آفریدگانت، گناهان او را می‌آمرزم. این سخن به گوش او رسید. از گناهان توبه کرد و همین کار، سبب توبه و نجات او از عذاب گردید (در حدیث است که از نشانه‌های ایمان شفقت و مهربانی بر خلق خدا است).

و باز از امام صادق (ع) است که فرمودند: امامت و رهبری نشاید مگر از برای مردی که در او سه خصلت باشد: پروایی که او را از گناهان باز دارد. حلمی که بدان سبب خشم خود را مهار کند، و خوش رفتاری و انجام وظیفه کامل برای آنان که سرپرستی آنان را به عهده دارد...

و خدای متعال به موسی فرمود: ای موسی در مورد کسانی که سرپرستی آنها را به تو سپرده‌ام خشم خود را مهار کن تا خشم خود را از تو بازدارم. در حدیث قدسی آمده است که: ای پسر آدم مرا به هنگام خشمت یاد کن تا تو را به هنگام خشم خود یاد کنم و در

اجابت کرد چون به درخانه مرد رسیدند آن مرد همان گفت که بار اول گفته بود تا چهار نوبت همین معامله کرد، حکیم مخالفت نکرد و متغیر نشد. بعد از آن مرد، عذر خواست و گفت: چه شناسی مرا به خلقی که در آن سگان یافت شود، هرگاه سگی را بخوانی بیاید و چون برانی برود و بدان که معنای حلم را این گونه بودن داند.

در تفکر فرو می‌روم و احوال خود را بازاندیشی می‌کنم. آه، چقدر از سیرت ائمه معصومین علیهم‌السلام غافلم و چه دریایی از حکمت و خودسازی در کلام آن بزرگواران هست و ما عمر را می‌گذرانیم و از آن دریای بیکران بی بهره می‌گذریم. گشتم را ادامه می‌دهم. به انجمن «اینترنت» می‌رسم. موضوعی توجه‌ام را جلب می‌کند: «اینترنت یا دمکراسی هرج و مرج» یکی از «شبکه خانه ملتی‌ها» به نام «سالار»، دربارهٔ

اینترنت این‌گونه نظرش را مطرح می‌کند: مسافرت به اعماق اینترنت همچون گردش در یک شهر بسیار بزرگ است که هیچ‌گاه خواب به چشمانش راه نمی‌یابد، جایی که روز و شب با یکدیگر آمیخته شده است. در میان نزدیک به سی میلیون نفر استفاده‌کنندگان از این شاهراه اطلاعاتی، همانند آنچه که در دیگر نقاط جهان معمول است آرامش کامل حکمفرماست.

اساتید زبردست از این شبکه

میان کسانی که نابودشان می‌سازم تو را نابود نکنم و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام من خوشنود باش که انتقام من از انتقام خودت برای تو بهتراست.

از امام رضا(ع) است که فرمودند: مرد عابد نیست تا بردبار باشد و در بنی اسرائیل رسم چنان بود که وقتی مردی به عبادت می‌پرداخت عابد بشمار نمی‌آمد تا پیش از آن مدت بیست سال سکوت نماید.

از امام صادق(ع) است که: سه کس در قیامت نزدیک‌ترین خلایق به خداوند هستند تا از حساب دیگران فارغ گردد: مردی که در حال خشم قدرت خود را آزاد نگذارد تا به زیر دست خود ستم روا دارد. و مردی که میان دو کس راه رود (برای اصلاح) به اندازه جوی به نفع هیچ‌کدام تمایل به خرج ندهد. و مردی که حق بگوید خواه به ضررش باشد خواه به سودش.

و ایضاً آیا شما را از بهترین خوهای دنیا و آخرت خبر ندهم؟ گذشت از آن کس که به تو ستم کرده. و پیوند با کسی که به تو بدی نموده و بخشش به کسی که تو را محروم داشته است.

و حکایت است که: حکیمی را کسی به ضیافت خواند چون به در خانه رسید گفت: یا استاد! مصلحت در آمدن نیست، من پشیمان شدم به سوی خانه بازگرد. چون به منزل رسید باز آن مرد پیامد و گفت: از آنچه کردم پشیمان شدم. و عذر خواستن گرفت. حکیم

پیام‌های دروغین از نقاط مختلف دنیا تحت نام کاربران معمول و خودساخته، طوری وانمود می‌کنند که مثلاً افکار عمومی شبکه اینترنت فلان فکر را دارد، یا فلان حساسیت سیاسی را! مدیر یکی از شرکت‌هایی که از سال ۱۹۹۲ (۱۳۷۱) واسطه ارتباط با اینترنت در اسپانیا می‌باشد اظهار می‌دارد که اینترنت همچون تلفن، یک ساختار زیربنایی ارتباطی است و کنترل این امر که هر کس با چه اهدافی به استفاده از آن می‌پردازند، بسیار مشکل می‌باشد. به عقیده وی اینترنت هر چند که به خودی خود ابزاری توطئه‌گر نمی‌باشد ولی می‌تواند به عنوان ابزاری در جهت اجرای توطئه ایفای نقش نماید.

اینترنت مرا به یاد صنعت و تکنولوژی می‌اندازد. با خود گفتم که بد نیست که سری به «انجمن صنعت» بکشم، ببینم آنجا چه خبر است. موضوعات را مرور می‌کنم و از آن میان این خبر برایم قدری غم‌انگیز بود. کاربری به نام «دکتر حریری» آن را این گونه نقل کرده است:

یکی از همکاران اینجانب که از ایلام آمده خبری داد که بزرگ‌ترین واحد آن شهر که در کار منسوجات است و ۲۰۰ نفر پرسنل نیز دارد تعطیل گردیده و کارگران آن بیکار شده‌اند. در همین رابطه نماینده اداره کل کار استان نیز از این که کارگران حقوق دریافت نکرده

اطلاعاتی برای اشاعه دانش و آگاهی‌های خود در میان اعضای جامعه علمی و دانشگاهی استفاده می‌کنند، دوستان و خویشاوندان دور از یکدیگر توسط پست الکترونیک و با هزینه‌ای بسیار کمتر از یک مکالمه تلفنی به ارتباط با هم می‌پردازند، نوجوانان، بازی‌های کامپیوتری خود را با یکدیگر مبادله می‌کنند، علاقه‌مندان به هنر با کمک این شبکه به آثار مهم‌ترین مسوزه‌های جهان دسترسی می‌یابند، شیفتگان درختچه‌های تزئینی می‌توانند به جمع دیگر علاقه‌مندان این درختچه‌ها پیوسته، شیوه غرس و یا کوددهی آنها را میان خود مبادله نمایند. هر آنچه را که تصور کردنی باشد می‌توان در متن، صدا و تصویر در اینترنت یافت. این اطلاعات را می‌توان در هر ساعتی از شبانه روز و در هر نقطه‌ای از جهان دریافت کرد.

ولی در این جهان کوچک، افراد بداندیش، بیماران روانی، بزهکاران با سابقه و افراد بی‌شرم دیگری نیز وجود دارند که از اینترنت مانند ابزاری مدرن به منظور انجام کارهای خلاف خود استفاده می‌کنند. حتی گزارش‌هایی وجود دارد که نشان می‌دهد که سازمان اطلاعات جاسوسی امریکا (سیا) و موساد، در جهت جوسازی و القای افکار و مقاصد سیاسی نابکار این دولت‌ها از این شبکه استفاده می‌کنند و با ارسال

و سرگردانند اظهار نگرانی کرده. از طرف دیگر رادیو و تلویزیون مکرر از صنعتی شدن کشور سخن می‌گویند. مسئولین صنعتی تاکی می‌خواهند نسبت به مشکلات واحدهای صنعتی بی تفاوت باشند؟

گشت و گذارم را ادامه می‌دهم. ب «انجمن عمومی» می‌روم. ابتدا «رنجنامه» یکی از وطن دوستان را می‌خوانم که از توطئه اجانب در جعل نام خلیج همیشه فارس به خلیج عربی او یا خلیج ادر «دایرة المعارف کمبریج» شکوه فراوان دارد و از مسئولین و دست‌اندرکاران جهت مقابله با این حرکت شوم، کمک جدی می‌طلبد. در ادامه مرور موضوعات در «انجمن تبادل افکار» و «انجمن تهاجم فرهنگی» با گفتاری از بزرگی مواجه می‌شوم. این گلچین را دوست خوب شبکه، آقای «لطیفی» در انجمن تهاجم فرهنگی چنین آورده بود:

زندگی دنیا مبنا و مقدم واصل است و آخرت انعکاسی از عمل انسان در زندگی این دنیا است و به هر حال دنیا مزرعه آخرت است و معنویت است که اسلام می‌کوشد تا برای رسیدن به آن معنویت ایده‌آل و مافوق طبیعی و مافوق مادی، انسان از طریق سالم مادیت بگذرد.

از طریق فقر، جهل، ضعف اجتماع، ضعف زندگی و ضعف بدن راه به معنویت اسلامی نیست. رسیدن به معنویت اسلامی به ایده آلیسم اسلامی

به ماوراء الطبیعه اسلامی و به سعادت انسانی‌ای که اسلام می‌خواهد از راه رشد زندگی مادی اجتماعی میسر است. زیرا آنجا که فقر هست، جهل هم هست (در فرد صحبت نیست بلکه در جامعه صحبت است) و آنجا که ضعف هست، زبونی اخلاقی هم هست. بنابراین راه به طرف کمال معنوی در اسلام فقط و فقط از طریق کمال مادی میسر است و از طریق دیگر بیراهه است و تخیلاتی است به نام معنویت.

انجمن «تهاجم فرهنگی» نکات جالبی دارد که چشم را به خود می‌خواند. یک کاربر پرکار شبکه گفتاری چنین درباره آزادی می‌آورد:

آزادی یک مسقوله فلسفی - سیاسی است. از نظر فلسفی، آزادی به معنای (اختیار) در برابر (جبر) است. از لحاظ سیاسی، آزادی به مفهوم امکانات فردی از لحاظ حقوق مدنی، اجتماعی و سیاسی در برابر قدرت دولت و جامعه است. کلیه مکتب‌های سیاسی و ایدئولوژیک جهان، خود را هوادار آزادی انسان و ضامن حفظ آن می‌دانند، لیکن هریک به نوعی آن را تعبیر و تفسیر کرده‌اند. آزادی در مکتب اصالت بشر به مفهوم آزادی نفس اماره است که در (لیبرالیسم) مستجلی می‌گردد. در اسلام، آزادی عبارت است از آزادی و حریت. انسان در مکتب اسلام، آزاد نیست، بلکه آزاده است.

غرق در شبکه بودم که زنگ خانه به صدا درآمد. کامپیوتر را رها کردم و در خانه را گشودم. دیدم دوستی از دوران دانشگاه از دیار «گل و سبزه» یعنی گیلان آمده بود با سبزه‌ای که نوید بهاری داشت. او از راه دور به میهمانی ما آمده بود. با سرودی که زیر لب زمزمه می‌کرد. وقت را پرسیدم. نیمه شبان بود. پرسید تا این وقت بیدار بودی؟ گفتم آری و بیدرتنگ با او به کنار رایانه بازگشتم. تابلو اعلانات شبکه، روی صفحه ایستاده بود و به استقبال بهار و نوروز رفته بود. چه شبی است، امشب:

یا مقلب القلوب و الأبصار
یا مدبر اللیل والنهار
یا محول الحول والأحوال
حول حالنا الی احسن الحال
«بهاران خجسته باد»

حلول سال نو و دیگرگونی فرح‌انگیز طبیعت را که آیتی بر هدف‌مندی شکوهمند خلقت و حاکمیت هدایت بر سراسر گیتی است تبریک گفته، سعادت و شادکامی شما و خانواده محترم‌تان را از درگاه ایزدمنان آرزو می‌نمایم.

مدیر شبکه خانه ملت

□□□

لوح قانون: نسخه اول، فروردین ۷۶

با همکاری مشترک «مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی» و «اداره کلی قوانین مجلس»، برای نخستین بار مجموعه کامل قوانین و مقررات کشور به صورت دیسک‌های فشرده نوری (CD ROM) تحت برنامه ویندوز (Windows) منتشر می‌گردد. این مجموعه، طسیف وسیعی از قوانین گذشته و جاری کشور شامل:

- ۱- قوانین مصوب مجلس از نخستین سال فعالیت قانون‌گذاری در ایران (۱۲۸۵ ه.ش) تا کنون؛
 - ۲- مصوبات شورای انقلاب؛
 - ۳- مصوبات مجمع تشخیص مصلحت؛
 - ۴- مصوبات شورای عالی انقلاب؛
- را دربرمی‌گیرد. در این مجموعه که موسوم به «لوح قانون» می‌باشد، از طریق جستجوی کلمه‌ای و موضوعی می‌توان به کلیه مندرجات آن دسترسی یافت. لوح قانون دارای قابلیت‌های گسترده جستجو بوده و نیاز به متن قانونی را به طور کامل تأمین می‌نماید. آگهی اشتراک «لوح قانون» در صفحه آخر این شماره نشریه مجلس و پژوهش درج شده است.